

ارزیابی ادعای دفاع مشروع اسرائیل در تجاوز به ایران از منظر اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل

سعید قائدی • دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
saeedghaedilaw@gmail.com

مصطفی فضائلی • استاد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
m.fazaeli@qom.ac.ir

مرتضی راسته • دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.
morteza.raste313@gmail.com

چکیده

تجاوز نظامی اسرائیل به ایران در سیزدهم ژوئن ۲۰۲۵، از منظر حقوق بین‌الملل یکی از فجیع‌ترین اقدامات قرن بیست‌ویکم به شمار می‌رود، زیرا نقض حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران و تهدید صلح و امنیت بین‌المللی را به همراه داشته است. مقامات رژیم صهیونیستی ادعا کرده‌اند که عملیات آن‌ها بر اساس دکترین «دفاع مشروع» صورت گرفته است. با توجه به اینکه توسل به زور در روابط بین‌الملل مطابق قواعد حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد ممنوع است، این مقاله با روش توصیفی تحلیلی، مشروعیت این اقدام رژیم و توجیه مقامات آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. با تحلیل رفتار، اهداف و پیامدهای ناشی از این اقدام و با استناد به اصول و مقررات حقوق بین‌الملل و رویه‌های قضایی بین‌المللی، نشان داده می‌شود که اسرائیل اصل منع توسل به زور، مندرج در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد را نقض کرده است. لذا از یک سو، استناد و توجیه آن‌ها، رکن رکین دفاع پیش‌دستانه یعنی حمله حتمی و قریب‌الوقوع را نقض نموده و از سوی دیگر، اقدام اسرائیل منطبق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد از حیث رعایت شرایط دفاع مشروع - از جمله حمله مسلحانه، ضرورت، فوریت و تناسب - نمی‌باشد. علی‌هذا، ادعای دفاع مشروع اسرائیل به‌عنوان دستاویزی برای نقض قاعده آمره ممنوعیت توسل به زور قابل پذیرش نیست و ایران بر اساس حق ذاتی دفاع مشروع، امکان پاسخ به تجاوز نظامی را داشته و دارد.

واژگان کلیدی: دفاع مشروع، اصل منع توسل به زور، دفاع پیش‌دستانه، جنایت جنگی.



مقدمه

سیزدهم ژوئن سال ۲۰۲۵ میلادی، مصادف با ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ شمسی، رژیم اسرائیل، با پشتیبانی آشکار و صریح مالی و تدارکاتی ایالات متحده آمریکا و نقض اصول و قواعد شناخته شده بین‌المللی، به‌ویژه بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد^۱ (زین پس، منشور)^۲ که تهدید و توسل به زور^۳ علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها را ممنوع می‌سازد، طی عملیاتی موسوم به «شیر خیزان»^۴، با حملات مکرر نظامی به اهداف گوناگون در خاک جمهوری اسلامی ایران (زین پس، ایران)، جنگی تجاوزکارانه علیه کشورمان آغاز کرد. این حملات در مدت ۱۲ روز منجر به شهادت و مجروح شدن صدها تن از مردم ایران -از جمله فرماندهان و افراد نظامی و دانشمندان برجسته- و تخریب تأسیسات نظامی، هسته‌ای و زیرساخت‌های غیرنظامی در شهرهای مختلف شد. بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ بر ضرورت رعایت اصول انسانی نسبت به اشخاصی تأکید دارد که به‌طور مستقیم در درگیری‌ها شرکت نداشته‌اند. بنابراین، حملات گسترده و سیستماتیک رژیم اسرائیل، فارغ از ماهیت، وخامت و گستردگی تجاوزکارانه خود، نه تنها منجر به قربانی شدن افرادی شد که نقش مستقیم نظامی نداشتند، بلکه موجب ویرانی اماکن غیرنظامی گردید. از این رو، تجاوز نظامی انجام شده علیه ایران، همراه با ارتکاب جنایت جنگی علیه مردم بود.

در پی این تجاوز هدفمند، نخست وزیر رژیم اسرائیل بنیامین نتانیا هو^۵ در اولین اظهارنظر خود با طرح ادعاهایی واهی درصدد توجیه تجاوز و جنایات جنگی و ضد بشری خود برآمد. وی در سخنرانی

1. United Nations Charters

۲. «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبیانت داشته باشد خودداری خواهند نمود».

3. Use of force

4. Operation Rising Lion

5. Benjamin Netanyahu

تلویزیونی ضبط شده مدعی شد: ^۱ «ما به قلب برنامه غنی‌سازی هسته‌ای ایران ضربه زدیم. ما تأسیسات اصلی غنی‌سازی ایران در نطنز را هدف قرار دادیم. دانشمندان برجسته هسته‌ای ایران را که روی بمب هسته‌ای ایران کار می‌کردند، هدف قرار دادیم. همچنین به قلب برنامه موشک‌های بالستیک ایران نیز ضربه زدیم».^۲ توجیه رسمی نتایهاو در این سخنرانی، که بلافاصله پس از حملات پی‌درپی به نقاط مختلف ایران، منتشر شد، مبتنی بر دکترین دفاع مشروع^۳ است. در این چارچوب، وی اظهار داشت: «لحظاتی پیش، اسرائیل عملیات شیر خیزان را آغاز کرد، یک عملیات نظامی هدفمند برای مقابله با تهدید ایران علیه بقای اسرائیل... در ماه‌های اخیر، ایران گام‌هایی برای تسلیحاتی کردن اورانیوم غنی‌شده برداشته و اگر متوقف نشود، ایران می‌تواند در مدت زمان بسیار کوتاهی سلاح هسته‌ای تولید کند... این یک خطر آشکار و حاضر برای بقای اسرائیل است... ایران و نیروهای نیابتی‌اش سعی کردند اسرائیل را با حلقه‌ای از آتش محاصره کنند و با حمله وحشتناک ۷ اکتبر به ما حمله کنند، اما مردم اسرائیل... برای دفاع از کشورمان قیام کردند... وقتی ایران سال گذشته دو بار مستقیماً به ما حمله کرد، ما در داخل خود ایران به آنها حمله کردیم. با این حال، در دفاع از خود، از دیگران نیز دفاع می‌کنیم... ایران قصد دارد سلاح‌های هسته‌ای را به گروه‌های تروریستی نیابتی خود بدهد. این کار کابوس تروریسم هسته‌ای را بیش از حد واقعی می‌کند. افزایش برد موشک‌های بالستیک ایران، آن کابوس هسته‌ای را به شهرهای اروپا و در نهایت به آمریکا خواهد آورد...».

استدلال نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به طور ترکیبی و تا حدی متناقض بر «دفاع پیشگیرانه»^۴ و «دفاع مشروع»^۵ استوار است. دفاع پیشدستانه،^۶ توسل به زور علیه یک کشور دیگر را برای جلوگیری از یک حمله احتمالی در آینده توجیه می‌کند. استناد به این مبنا در حالی است که این قسم از دفاع در

1. <https://www.youtube.com/watch?v=UBHoTORv-KA>

2. 'This operation will continue' says Netanyahu after attack on Iran - France 24

3. Legitimate Defense

4. Preemptive Self-defense

5. Excellent Legitimate Defense

۶. این نوع دفاع عبارت است از پاسخی مسلحانه به تهدیدات قریب‌الوقوع که بر اساس قرائن و شواهد، احتمال تحقق آن بسیار زیاد

است (ابراهیم‌زاده و ملکی‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۸۵).

مقابل یک «حمله قریب‌الوقوع مسلحانه»، به عنوان یک «رویه متعاقب»^۱ و مستند به ماده ۵۱ منشور، اساساً با این شرط مورد پذیرش نسبی^۲ است که شواهد و قرائن عینی^۳ بر «قطعی» بودن چنین حمله‌ای دلالت کند. تنها در این شرایط است که دفاع پیشدستانه از نظر حقوقی قابلیت طرح دارد.^۴ بر این اساس، رسانه‌ها، سیاست‌مداران و به ویژه حقوقدانان خواستار ارائه مستندات و شواهد قابل قبول از سوی دولت‌های اسرائیل و آمریکا شدند، به نحوی که به صورت عینی نشان دهد حمله‌ای قریب‌الوقوع و حتمی علیه رژیم صهیونیستی یا پایگاه‌ها و منافع آمریکا در خاورمیانه در زمان حمله سیزدهم ژوئن در جریان بوده و ایران نقشی اساسی در آن داشته است. از این رو، عدم پاسخ مقامات اسرائیلی و آمریکایی به مطالبه مذکور، ادعای وجود یک حمله قریب‌الوقوع و حتمی هسته‌ای را به شدت مورد تردید قرار داد. بر همین اساس، مارکو میلانویچ^۵، استاد برجسته حقوق بین‌الملل بیان می‌دارد: «به هیچ وجه نمی‌توان یک ادعای منطقی ارائه داد مبنی بر اینکه ایران حمله قریب‌الوقوعی به اسرائیل انجام خواهد داد، یا اینکه توسل به زور تنها گزینه برای آن حمله بوده است».^۶ کوین جان هلر^۷، استاد حقوق و امنیت بین‌الملل در مرکز مطالعات نظامی دانشگاه کینهاگ می‌گوید: «حمله اسرائیل هم غیرقانونی است و هم جنایت‌کارانه. کمتر اقدامی به اندازه دفاع از خود پیشگیرانه در برابر تهدیدی که قریب‌الوقوع نیست، به این وضوح غیرقانونی است».^۸ سرگئی واسیلیف^۹ این حمله را در دسته «جنایت تجاوز»^{۱۰}

1. Subsequent Practice

۲. در ادامه ذیل مبحث «دفاع پیشدستانه از منظر ماده ۵۱ منشور ملل متحد»، دسته‌بندی خواهیم نمود که استناد به این قسم از دفاع، برخلاف منشور، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، اصول و قواعد بشر دوستانه بین‌المللی و رویه غالب دولت‌ها، است.

۳. ارزیابی عینی در حقوق بین‌الملل به معنای آن است که هر ناظر بی‌طرفی، موضوع را به همان صورت که ادعا می‌شود، ارزیابی کند.

۴. ایالات متحده آمریکا در حمله به افغانستان به ادعای پیشدستی در مقابل یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع دیگر توسط طالبان، به قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت ملل متحد استناد کرد که در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ صادر شده و ضمن محکومیت شدید حملات مذکور و ابراز همدردی با بازماندگان و خانواده‌های قربانیان، بر حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی دولت قربانی تأکید می‌کرد. جز ایران و عراق هیچ کشوری مشروعیت حمله آمریکا به افغانستان را به چالش نکشید (Cassese, 2005, p. 474).

5. Marko Milanovic

6. <https://www.ejiltalk.org/is-israels-use-of-force-against-iran-justified-by-self-defence/>

7. Kevin Jon Heller

8. <https://opiniojuris.org/2025/06/24/the-last-window-of-opportunity-test-is-unlawful-and-dangerous/>

طبقه‌بندی کرده و می‌نویسد: «این عملیات توسل غیرقانونی به زور است. چراکه ایران هیچ تهدید قریب‌الوقوعی برای اسرائیل ایجاد نکرده بود که چنین حمله‌ای را توجیه کند».^۱ همچنین، نخست‌وزیر اسرائیل در جریان سخنرانی خود، با تغییر در توجیه حقوقی حمله به ایران، به دفاع مشروع نیز استناد می‌کند؛ بدین معنا که این دفاع با رعایت تمامی شرایط صریح و ضمنی آن، در قبال یک سلسله حملات مسلحانه متوالی از سوی ایران و نیروهای نیابتی آن، به ویژه از تاریخ هفتم اکتبر ۲۰۲۳، اعمال می‌شود. وی این موضوع را عاملی برای دفاع از خود و حتی دفاع از دیگر کشورها معرفی می‌کند. در حالی که این نوع دفاع باید مطابق با شرایط موضوع ماده ۵۱ منشور، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری^۲ (زین پس، دیوان) و حقوق بین‌الملل عرفی باشد، در غیر این صورت، تجاوز آشکاری بر اصل ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود.

در حقوق بین‌الملل، بر اساس قاعده «استایل»^۳، دولت‌ها از متناقض‌گویی منع شده‌اند. استایل دولت‌ها را موظف می‌سازد که «نسبت به یک موقعیت واقعی یا حقوقی، رویکرد نامتناقضی اتخاذ کنند» (MacGibbon, 1958, p. 459). دیوان در پرونده «معبد یره و بهار»^۴ (کامبوج علیه تایلند) استدلال کرد که تایلند نمی‌تواند با حاکمیت کامبوج بر معبد مخالفت کند، زیرا اقدامات پیشین دولت تایلند نشان می‌دهد که آنها تعلق مکانی و حقوقی معبد به فرانسه (اکنون کامبوج) را پذیرفته بودند (ICJ Rep, 1962, p. 27). بر همین اساس دولت اسرائیل نیز نمی‌تواند همزمان به مبانی مختلفی در قبال توجیه حملات گسترده خود به ایران، استناد نماید. بدیهی است که چنانچه موضوع مصداق دفاع پیشدستانه باشد، نیازی به بررسی دفاع مشروع و شرایط آن نیست و در صورتی که شرایط دفاع مشروع برقرار باشد، نمی‌توان اقدامات خود را بر مبنای دکترین دفاع پیشدستانه توجیه کرد. با این حال، بر اساس گفتمان ترکیبی و متناقض نخست‌وزیر اسرائیل، هدف این است که هر دو مبنا به دقت ارزیابی و سنجیده شود.

⁹. Sergey Vasiliev

¹⁰. Crime of Aggression

1. No: 121, 13 June 2025, Regarding Israel's Attack on Iran / Republic of Türkiye Ministry of Foreign Affairs

2. International Court of Justice

3. Staple Rule

4. Temple of Preah Vihear

از این رو، در این نوشتار به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود: آیا حمله رژیم اسرائیل علیه ایران نقض قاعده بنیادین منع مداخله و توسل به زور است؟ آیا استناد رژیم صهیونیستی به دفاع مشروع و دفاع پیشدستانه با ماده ۵۱ منشور ملل متحد و رویه دیوان همخوانی دارد؟ آیا دفاع ایران مبتنی بر حق ذاتی و مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد است؟ نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار مطالعات کتابخانه‌ای، از جمله اسناد، مدارک و داده‌های مرتبط، به این نتیجه نائل می‌شود که حملات گسترده و نظام‌مند اسرائیل به خاک ایران، افزون بر نقض قاعده منع مداخله و توسل به زور، مبتنی بر هیچ یک از اقسام دفاع (اعم از مشروع یا پیشدستانه) نیست و ایران می‌تواند بر اساس حق ذاتی خود، در برابر تجاوز تحمیلی، به دفاع مشروع مطابق ماده ۵۱ منشور متوسل شود. بر این اساس، ساختار پژوهش این گونه سامان‌دهی شده است که ابتدا دفاع پیشدستانه در پرتو ماده ۵۱ منشور تحلیل شده و در بخش بعدی، تجاوز سیزدهم ژوئن بر اساس شرایط دفاع مشروع ارزیابی می‌شود.

۱. دفاع پیشدستانه از منظر ماده ۵۱ منشور ملل متحد

با بررسی مجموع مواضع اسرائیل و حامیان غربی آن در زمینه تجاوز به ایران، مشخص می‌شود که توسل به حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور، مبنای اساسی دکترین مورد ادعای آنان است. همین مبنا در ترور سردار قاسم سلیمانی توسط ایالات متحده آمریکا در بامداد جمعه، سوم ژانویه ۲۰۲۰ میلادی، نیز قابل مشاهده است.^۱ در این چارچوب، دولت‌های آمریکا و رژیم صهیونی بر این باورند که در مواردی که جان اتباع و منافعشان با توسل به زوری حتی خفیف‌تر از آستانه‌های مندرج در ماده ۵۱ منشور، به خطر افتد، حق توسل به دفاع مشروع را دارند (murphy, 1999, p. 161).

همان‌گونه که پیش از این آمد، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، در بخشی از سخنرانی خود، هدف از حمله را «مهار تهدید ایران برای بقای اسرائیل»^۲ از طریق هدف قرار دادن برنامه هسته‌ای

^۱. رئیس‌جمهور آمریکا در اجتماع هوادارانش در میلوکی مدعی شد که سردار سلیمانی قصد انجام حملاتی علیه نیروهای آمریکایی داشته، اما دولت او آن را متوقف کرده و عملیات ترور برای دفع یک «تهدید قریب‌الوقوع» بوده است.

www.khabaronline.ir/news/1343406 (Accessed at:1398/10/28)

^۲. A Targeted Military Operation to Roll Back The Iranian threat to Israel's Very Survival.

ایران عنوان کرده است. در حالی که تفسیر ساده منشور ملل متحد نشان می‌دهد که این معاهده به فرآیند طولانی تلاش‌های مستمر حقوق بین‌الملل برای محدود کردن اعمال یک‌جانبه توسل به زور و استفاده از جنگ پایان داد و در ماده ۵۱ آن چنین آمده است: «در صورت وقوع حمله مسلحانه^۱ علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدام‌های لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی و خواه دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به موجب آن برای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی و در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت». مذاقه در ماده یاد شده نشان می‌دهد که توجیحات مقامات اسرائیلی و آمریکایی برای تجاوز به حریم ایران به بهانه توسعه توانمندی‌های هسته‌ای و استناد به ماده ۵۱ منشور، در حالی مطرح می‌شود که در نظام حقوقی بین‌المللی، رویه غالب دولت‌ها و دیوان، تأسیس حقوقی تحت عنوان دفاع پیشدستانه را به رسمیت نمی‌شناسد. به بیان دیگر، این اصل منشور به هیچ وجه به حق حمله به دولت دیگر به صرف ترس از اینکه آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل استفاده در یک حمله احتمالی آینده باشد، اشاره‌ای ندارد (ظریف و آهنی، ۱۳۹۱، صص. ۸۲-۴۱).

ممکن است گفته شود علی‌رغم عدم پذیرش دفاع پیشدستانه در منشور ملل متحد، عملکرد برخی از دولت‌های عضو بدین سمت بوده است که توسل به زور در مواردی مانند دفاع پیشدستانه را نیز در زمره مستثنیات قاعده ممنوعیت توسل به زور و بی‌نیاز از کسب مجوز شورای امنیت قلمداد نمایند (Ohlina, 2015, p. 121 & Swart, 2020, p. 26). این موضع عمدتاً از سوی آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و دیگر کشورهایی که اصولاً متحدان آن هستند، نظیر اسرائیل، دنبال شده است (ممتاز و

1. Armed Attack

۲. این راهبرد در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۲ در سندی موسوم به «راهبرد امنیت ملی آمریکا» (U.S. National Security Strategy) توسط دولت بوش انتشار یافت. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سخنرانی سالانه‌اش در کنگره (۲۹ ژانویه ۲۰۰۲) بیان می‌دارد:

صابری، ۱۳۹۱: ۱۸۴) و موجب گردیده تا حملات و تجاوزهایی با هدف آنچه تهدید علیه منافع حیاتی آنها محسوب می‌شود، علیه بازیگران دولتی و غیردولتی^۱، انجام گیرد. در همین راستا، برخی نویسندگان نیز این نوع دفاع را با توجه به قدمت آن در حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان یک قاعده عرفی پذیرفته‌اند و عدم ذکر آن در ماده ۵۱ منشور را دلیلی بر عدم وجود آن در حقوق بین‌الملل نمی‌دانند (Arend & Beck, 1993, p. 73 & Ston, 1958, p. 44). این رویکرد که امروزه به مفری برای نقض قواعد آمره و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تبدیل شده است، با توجه به مراتب ذیل محل ایراد است:

یکم - منع تهدید و توسل به زور^۲ که در بند ۴ ماده ۲ منشور آمده، به عنوان یک قاعده آمره^۳ مورد پذیرش کشورهای عضو قرار گرفته است. ماده ۵۱ تنها استثنائی است که بر این ممنوعیت وارد شده و عدم ذکر دیگر استثنائات، قرینه‌ای است بر اینکه نگارندگان منشور آگاهانه تنها دفاع در برابر «وقوع یک حمله مسلحانه» را مجاز دانسته‌اند.^۴ با این توضیح، استناد به عرف سابق از سوی اقلیتی از کشورها دلیلی بر نقض منشور نمی‌شود، زیرا وجود عرف سابق نیازمند اثبات است و تنها سابقه‌ای که مدعیان چنین عرفی به آن استناد می‌کنند، کافی و وافی به مقصود نیست. از این مهم‌تر، اساساً استناد به عرف سابق در برابر تعهدات معاهده‌ای لاحق فاقد وجاهت حقوقی است، چه اینکه اصولاً در نظام پیش

«می‌توانیم اجازه دهیم تا دشمنان ما ضربه اول را وارد کنند». <http://georgewbush-whitehouse.archives.gov/nsc/nss/2002/nss5.html>

۱. امروزه این دکترین تقریباً در تمامی تجاوزات رژیم صهیونی به گروه‌های مقاومت در کشورهای ثالث مورد استناد قرار می‌گیرد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، نک: (امین‌الرعايا و همکاران، ۱۴۰۰، صص. ۱۸۱-۱۵۱).

2. Principle of Prohibition of The Use of Force

۲. آمره بودن این قاعده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود بر پیش‌نویس معاهده‌ای ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات مورد تصریح قرار گرفته است (Yearbook of ILC, 1966, p. 247) و توسط دیوان بین‌الملل دادگستری در قضیه نیکاراگوئه با لحنی موافقت نقل گردیده است (Nicaragua Case, 1986, para. 100).

۳. برای آگاهی بیشتر در خصوص ارزیابی دفاع مشروع بازدارنده در پرتو ماده ۵۱ منشور، رک: شریفی و بارین، ۱۳۹۲، صص. ۳۶-

از منشور، استفاده از زور مشمول منع کلی نبوده است و چنانچه عرف سابق بتواند همچنان در برابر نظام منشور مقاومت کند، مستلزم نقض غرض تدوین‌کنندگان منشور خواهد بود.

دوم- رویهٔ رکن قضایی سازمان ملل متحد - یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری - بر این اساس است که صرفاً حمله مسلحانه را موجبی برای اعمال دفاع مشروع می‌داند. در این راستا، دیوان در قضیه کنگو علیه اوگاندا در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد: «بند ۴ ماده ۲ منشور سنگ بنای منشور است و غیر از مواردی که شورای امنیت طبق مواد فصل هفتم منشور وارد موضوع می‌شود، دولت‌ها صرفاً با رعایت شرایط مندرج در ماده ۵۱ منشور می‌توانند در مقام دفاع مشروع استثنایی بر بند ۴ ماده ۲ در نظر بگیرند» (ICJ, 2005, para. 42).

سوم- شورای امنیت^۱ در برخی قطعنامه‌های خود به طور ضمنی استناد به حمله پیشدستانه را محکوم نموده است. برای مثال، اسرائیل در ژوئن ۱۹۸۱ به تأسیسات هسته‌ای عراق، موسوم به اوسیراک^۲ که آن را مبنای تهدید بالقوه علیه موجودیت خود می‌دانست، حمله کرد. شورای امنیت با اجماع، تهاجم به تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، درحالی‌که هیچ تولید نظامی در آن صورت نمی‌گرفت، را محکوم کرد (UN, Security Council, Resolution 487, 1981).^۳

چهارم- طراحی، تدارک و اجرای حملات نظامی علیه یک دولت بر اساس ادعای حمله قریب‌الوقوع آن، بنیانی خطرناک در مناسبات بین‌الملل ایجاد کرده است. فقدان واکنش جدی و سازمان‌یافته از سوی تابعان حقوق بین‌الملل نسبت به این نوع تجاوزات، موجبات بروز نزاع و هرج و مرج در روابط بین‌الملل را فراهم ساخته است. به گونه‌ای که اسرائیل از بدو تأسیس خود، به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، با الهام از راهبرد امنیت ملی آمریکا، به‌طور مستمر حملات و تجاوزات نظامی علیه فلسطین، لبنان، سوریه، عراق و اخیراً ایران انجام داده و به دنبال رویه‌سازی در عرصه بین‌المللی برای مشروع جلوه دادن اقدامات تجاوزکارانه علیه دیگر کشورها است.

1. Security Council

2. Osirak

۳. پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، به صراحت حمله به تأسیسات حاوی مواد خطرناک را ممنوع می‌داند.

پنجم- در صورت پذیرش تفسیری موسع از ماده ۵۱ منشور، کشورهای حامی دفاع پیشدستانه که اغلب از ابزارهای گسترده تبلیغاتی و ظرفیت‌های فشار اقتصادی و سیاسی برخوردارند، می‌توانند به‌سادگی یک خطر کوچک را به‌عنوان تهدیدی قریب‌الوقوع جلوه دهند و در مقابل، یک خطر واقعی و جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی را به‌عنوان حافظ صلح معرفی کنند. نمونه بارز این رویکرد، حمله آمریکا و بریتانیا به عراق است؛ آن‌ها با بهره‌گیری از حربه‌های تبلیغاتی و فشارهای سیاسی، وجود سلاح‌های مخفی شیمیایی و هسته‌ای صدام حسین را بهانه‌ای برای تجاوز قرار دادند، حال آنکه این کشورها پس از حمله، به نبود این‌گونه تسلیحات خیر دادند. این اقدام آمریکا نه تنها از اعتبار تنها مرجع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کاست، بلکه اصل «عدم مداخله»^۱ را نیز به طور جدی خدشه‌دار کرد (صادقی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۸-۹۳).

ششم- درست است که عرف لاحق می‌تواند معاهده پیشین را نسخ کند، اما چنین عرفی در وهله اول باید مسلم و پذیرفته شده باشد و وهله دوم، برای دولت‌هایی که از آغاز شکل‌گیری آن مخالفت خود را پیوسته اعلام کرده‌اند، نمی‌تواند الزام‌آور تلقی شود. وانگهی نسخ معاهده عام و جهان‌شمولی مانند منشور -که سند موسس ملل متحد و به تعبیری به‌مثابه قانون اساسی جهانی است- با رویه شماری از اعضا میسر نیست و بلکه مستلزم نوعی اجماع، یا دست‌کم کنسensus^۲ یعنی عدم مخالفت رسمی سایر اعضاست. به‌هرروی، حتی اگر فرض شود که رویه بعدی دولت‌های عضو منشور به طور ضمنی دفاع پیشدستانه را پذیرفته است، نمی‌توان هر گونه اقدام نظامی و تجاوز به حریم کشورهای دیگر را بر این اساس توجیه نمود، بلکه همان‌گونه که در گزارش هیئت عالی رتبه دبیر کل سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ با عنوان «جهانی امن‌تر: مسئولیت مشترک ما» آمده است: «تهدید باید حتمی و قریب‌الوقوع باشد، به‌طوری‌که هیچ چاره دیگری نیز برای رفع آن نباشد و اقدام نظامی مورد نظر متناسب با تهدید باشد» (A more secure world: our shared responsibility, 2004, p. 63). به‌این‌سان، برای توسل

1. Non- Intervention
2. Consensus

به این نوع دفاع، باید شواهد متقاعدکننده‌ای مبنی بر وقوع یک حمله مسلحانه حتمی و قریب‌الوقوع^۱ موجود باشد، مانند آنکه دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و شواهد آشکار و متقاعدکننده‌ای مبنی بر حملات آتی دشمن در اختیار داشته باشد (احمدی و حاتمی، ۱۴۰۰، صص. ۳۱۸-۳۱۷). این شروط حاکی از آن است که به منظور مشروعیت عرفی توسل به زور تحت عنوان دفاع پیشدستانه «باید مدارک و مستندات حاکی از یک حمله فوری، قطعی و شدید وجود داشته باشد. زیرا کاربرد فراسرزمینی زور همواره باید استثناء تلقی شود» (Swart, 2020, p. 27).

به این ترتیب، با توجه به اصول و مفاهیم برجسته مندرج در منشور ملل متحد، نظیر اصل احترام به حاکمیت و استقلال کشورها (بند ۱ ماده ۲)، اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها (بند ۷ ماده ۲)، ضرورت رفع تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی، توقف هر گونه عمل تجاوزکارانه، تهیه یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشور (بند ۴ ماده ۲)، متوقف ساختن وضعیت‌هایی که منجر به نقض صلح می‌شوند، و توسعه روابط دوستانه ملل (ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر)، اقدام رژیم صهیونی در حمله به ایران که شامل استفاده غیرقانونی از نیروی مسلحانه به صورت گسترده و نظام‌مند است، به وضوح نقض اصول منشور ملل متحد به ویژه ماده ۵۱ منشور^۲ است. امروزه اتفاق نظر وجود دارد که حمله پیشدستانه خود نوعی تجاوز محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل، جایگاهی ندارد. از همین رو است که به دلیل نقض شرایط دفاع پیشدستانه توسط اسرائیل، کارشناسان مختلف سازمان ملل در ۲۶ ژوئن ۲۰۲۵ با صدور بیانیه‌ای، اقدام این رژیم در حمله به ایران را محکوم کردند.^۳

۲. ارزیابی تجاوز سیزدهم ژوئن براساس شرایط دفاع مشروع

پیشرفت حقوق بین‌الملل از «قواعد توسل به زور» به «قواعد منع توسل به زور» موبد آن است که دیگر مفهومی به عنوان «حق توسل به زور» برای دولت‌ها قابل شناسایی نیست (مدرس، ۱۳۹۲، ص. ۱۹). الزامات حاکم بر این قاعده بیانگر آن است که اقدام رژیم اسرائیل در توسل به زور، که خارج از قلمرو

1. Imminent Attack

^۲. در ادامه، ذیل بخش «ارزیابی تجاوز سیزدهم ژوئن براساس شرایط دفاع مشروع» تشریح خواهد شد.

3. UN experts condemn Israeli attack on Iran and urge end to hostilities

نوع تبادل آتش مرزی را نمی‌توان در زمره حملات مسلحانه طبقه‌بندی کرد (Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, para. 195). دیوان در قضیه دیوار حائل^۱، حتی به نحو دقیق‌تر، ماده ۵۱ منشور را تفسیر کرده و نتیجه گرفته است که: «ماده ۵۱ منشور، وجود حق ذاتی دفاع مشروع را صرفاً در برابر حمله مسلحانه یک دولت علیه دولت دیگر به رسمیت می‌شناسد» (Construction of a Wall Case, 2004, Para. 139).^۲ به این ترتیب، حمله مسلحانه، حمله‌ای است که از یک رفتار خشونت‌آمیز مستمر یا در حدی از شدت تشکیل شود؛ بنابراین، چند اقدام محدود یا حملات جزئی را نمی‌توان مبنای مشروعی برای توسل به دفاع مشروع دانست (Cassese, 1989, p. 597).

با توجه به آنچه گفته شد، تجاوز اسرائیل به حریم ایران بر مبنای آنچه توسط نخست وزیر این رژیم «مهار تهدید ایران برای بقای اسرائیل» توجیه و استناد می‌گردد، نمی‌تواند مبنای مشروعی برای دفاع محسوب گردد (Quincy, 1959, p. 560)، به دلیل آنکه:

نخست - از منظر حقوقی، تهاجمات ایدئولوژیک در بیان مواضع سیاسی مقامات ایران - که اسرائیل آن را نشانه‌ای از حملات قریب‌الوقوع ایران می‌داند - از دایره شمول ماده ۵۱ منشور خارج است و نمی‌تواند حمله مسلحانه محسوب شود (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۵).

دوم - یکی از مهم‌ترین استدلال‌های اسرائیل در توجیه حمله به ایران، طرح ادعای «دفاع مشروع در برابر کشورهای دارای قابلیت هسته‌ای» است. مطابق این استدلال، اسرائیل دفاع مشروع پیش‌دستانه - بدون تحقق حمله مسلحانه پیشینی - را بدین‌گونه توجیه می‌کند که تهدید ناشی از یک کشور مجهز به سلاح هسته‌ای ماهیتی استثنایی دارد؛ زیرا در صورت آغاز حمله از سوی چنین کشوری، فرصت و امکان واکنش دفاعی فوراً از میان می‌رود. در این چارچوب، انتظار تا لحظه وقوع حمله، در عمل به معنای از دست دادن حق دفاع تلقی می‌شود. بر همین مبنای اسرائیل مدعی است که اگر شواهد معتبر و قوی دلالت بر قصد و آمادگی قریب‌الوقوع یک کشور هسته‌ای برای حمله داشته باشند، اقدام

1. Wall Case

^۲ برای آگاهی بیشتر پیرامون نظریه مشورتی دیوان در خصوص دیوار حائل، نک: آجلی و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۲۴۶-۱۶۱.

پیش‌دستانه جهت دفع آن تهدید می‌تواند به منزله شکلی از دفاع مشروع قابل توجیه باشد؛ زیرا هدف اصلی آن حفظ بقا و پیشگیری از نابودی پیش از زمانی است که امکان دفاع کاملاً از میان برود. در پاسخ به این ادعا باید اشاره کرد که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی،^۱ پیش و پس از تجاوز اسرائیل، بارها هرگونه فعالیت هسته‌ای ایران با ماهیت نظامی یا تسلیحاتی را رد کرده و پایبندی ایران به تعهدات خود ذیل پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را مورد تأیید قرار داده است. افزون‌براین، مقامات ایران نیز به‌طور رسمی و مکرر در مجامع بین‌المللی اعلام کرده‌اند که تولید و به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای در دکتین دفاعی و نظامی آنها جایگاهی ندارد.^۲

به این ترتیب، حمله رژیم صهیونی به سایت‌های مشروع و صلح‌آمیز هسته‌ای ایران - که مطابق بند ۱ ماده ۴ معاهده NPT و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت،^۳ مبتنی بر حقی غیرقابل سلب و تثبیت شده است - مشابه تجاوز به تأسیسات هسته‌ای عراق، مغایر بند ۴ ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور بوده و در شمار تعریف تجاوز در قطعنامه شماره ۳۳۱۴ سازمان ملل قرار می‌گیرد. گنجاندن عبارت «در صورت وقوع حمله مسلحانه» در منشور، هدفی جز کاستن از آزادی عمل دولت‌ها به منظور پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و توجیه حملات پیش‌دستانه ندارد. آنچه به‌عنوان دستاویز و بهانه اسرائیل برای توجیه حمله مسلحانه علیه ایران بر مبنای قابلیت‌های هسته‌ای این کشور مطرح شده است، با جنایات جنگی^۴ ارتکاب یافته از سوی نیروی هوایی این رژیم در حمله به دانشمندان هسته‌ای، تأسیسات و اهداف غیرنظامی و شهروندان، همخوانی ندارد. این اقدامات، نقض صریح اصل تفکیک

1. International Atomic Energy Agency (IAEA)

۲. نگاهی به اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای گویای حرمت توأمان استفاده و همچنین تولید سلاح هسته‌ای است. برای نمونه می‌توان به بیانات مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ ایشان توجه نمود که ابراز می‌دارند: «ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود». این فتوا، نخستین بار در سال ۲۰۰۳ در نامه‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام و در اسناد رسمی وزارت خارجه ایران ثبت شده است.

۳. این قطعنامه به منظور تأیید و اجرای «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) بین ایران و ۵+۱ به تصویب شورا رسیده است. برای مطالعه بیشتر، نک: صیرفی و همکاران، ۱۴۰۳، صص. ۳۴-۷.

4. War Crime

میان اهداف نظامی و افراد یا اهداف غیرنظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه به شمار می‌رود و نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در توجیحات تجاوز، فرافکنی کرده است. واکنش بعدی تابعان حقوق بین‌الملل به این اقدامات تجاوزکارانه، مؤید همین واقعیت است.

با توجه به اینکه شرط مقدماتی و غیرقابل اغماض تحقق دفاع مشروع، به موجب ماده ۵۱ منشور و حسب تفسیر مضیق دیوان، وقوع پیشینی حمله مسلحانه است، و با لحاظ اینکه اسرائیل نتوانسته وجود چنین حمله‌ای را به‌عنوان مبنای آغازگر توسل به زور احراز کند، اقدام نظامی این رژیم خود واجد وصف «حمله مسلحانه» تلقی می‌شود. بدین ترتیب، ایران در مقام دولت متضرر، در معرض حمله‌ای قرار گرفته که طبق معیارهای تبیینی در آراء نیکاراگوئه، سکوه‌های نفتی و دیوار حائل، از سطح شدت و گستره لازم برای فعلیت یافتن حق دفاع مشروع برخوردار است. در چنین چارچوبی، ایران می‌تواند در مقام اعمال دفاع مشروع واکنشی محدود، ضروری و متناسب با تهدید محقق‌شده، به زور متوسل شود؛ زیرا فقدان حمله مسلحانه قبلی از سوی ایران، نه‌تنها مشروعیت ادعای دفاع پیش‌دستانه اسرائیل را زایل می‌کند، بلکه به‌نحو منطقی حق دفاع مشروع ایران را در برابر تجاوز محقق‌شده فعال می‌سازد. این نتیجه با فلسفه وجودی ماده ۵۱- که هدف آن تحدید توسل خودسرانه به زور، جلوگیری از گسترش دگرترین نامعتبر پیش‌دستانه و تضمین اصل منع توسل به زور است- کاملاً انطباق دارد.

۲-۲. ضرورت

«اصل ضرورت»^۱ به ضرورت نظامی اشاره دارد و به این معنا است که در اعمال دفاع مشروع، جایگزین یا ابزار موثرتری نسبت به توسل به زور وجود نداشته باشد (Gary, 2018, p. 159 & Judith, 2007, p. 148). این شرط به صراحت در ماده ۵۱ منشور پیش‌بینی نشده است، اما رویه دیوان و حقوق بین‌الملل عرفی آن را به عنوان قاعده‌ای خدشه‌ناپذیر مورد پذیرش قرار داده‌اند. دیوان در قضیه نیکاراگوئه تأکید کرد حق دفاع از خود برای پاسخ، تنها هنگامی مشروع است که ضروری باشد (Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, 1986, para. 194-237). همچنین در نظریه مشورتی خود در قضیه تهدید و توسل به سلاح‌های هسته‌ای اعلام کرد که تهدید به

1. Necessity Principle

استفاده از زور، در صورتی که به عنوان وسیله‌ای برای دفاع در نظر گرفته شده باشد، اگر اصول ضرورت و تناسب را مد نظر قرار ندهد، ناقض بند ۴ ماده ۲ منشور است (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, para. 48). از ماده ۳۳ منشور نیز این گونه مستفاد می‌شود که برای احراز ضرورت؛ از یک سو، رفتار ناشی از ضرورت، باید تنها ابزار ممکن در قبال خطر جدی و قریب‌الوقوع باشد؛ به عبارت دیگر، امکان حل اختلاف از مجرای مذاکرات، میانجیگری، آشتی و داوری وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، اقدامات شورای امنیت سازمان ملل اثربخش نبوده باشد.

با توجه به مطالب یاد شده، اگرچه ادعای دفاع مشروع رژیم صهیونی، به دلیل نقض معیار پیشین - یعنی «وقوع حمله مسلحانه» - منتفی بوده و در نتیجه حمله اسرائیل را جز یک اقدام جنایتکارانه جلوه نمی‌دهد، اما در این حمله، شاخص مهم «ضرورت» نیز رعایت نشده است. اقدام اسرائیل در حالی صورت گرفته است که ایران در جریان مذاکرات سلسله‌وار با ایالات متحده آمریکا پیرامون برنامه هسته‌ای بوده است و آنچه پیش از تجاوز در گفتمان مقامات کشورهای یاد شده پوشیده نیست، سازنده و موثر خواندن این مذاکرات است. در چنین شرایطی، تجاوز اسرائیل به ایران، در حالی که راهکارهای غیرنظامی و مسالمت‌آمیز هنوز مؤثر بوده‌اند، هرگز نمی‌تواند از منظر حقوق بین‌الملل به عنوان اقدام «ضروری» تلقی شود. از دیگر سو، حتی اگر مذاکرات هسته‌ای اثربخش تلقی نشده باشد، با توجه به اینکه مرجع اصلی راستی‌آزمایی و نظارت بر کاربرد و مصرف مواد هسته‌ای، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و این نهاد بین‌المللی با نظارت مستمر، در گزارش‌های متعدد خود هرگونه انحراف در فعالیت‌های هسته‌ای و تولید تسلیحات هسته‌ای از سوی ایران را رد کرده است، دولت اسرائیل همچنان نمی‌تواند تجاوز سیزدهم ژوئن را «ضروری» و در نتیجه منطبق با موازین حقوق بین‌الملل بداند. در واقع، حتی در صورت پذیرش مبنای دفاع پیشدستانه، این رژیم تنها هنگامی می‌توانست توسل به زور خود را توجیه کند که هر دو گزاره زیر به‌طور همزمان محقق می‌شدند:

۱- ایران به طور غیرقابل بازگشت متعهد بوده باشد که پس از دستیابی به سلاح هسته‌ای، آن را علیه اسرائیل به کار گیرد؛ به عبارت دیگر، ایران باید قصد داشته باشد که به محض کسب توانایی لازم برای تولید و استفاده از این سلاح، حمله‌ای علیه اسرائیل انجام دهد.

۲- امروز «آخرین فرصت»^۱ برای جلوگیری از حمله احتمالی ایران بوده باشد؛ به این معنا که هم‌اکنون اقدام مسلحانه ضروری تلقی شده و هیچ گزینه غیرقهرآمیز دیگری نمی‌توانست توانایی آتی ایران یا قصد آن برای حمله به اسرائیل را مهار کند.

بنابراین، تمامی راه‌های جایگزین نظامی وجود داشته و هیچ اقدام پیشینی از سوی اسرائیل یا حامیان آن، از جمله ایالات متحده آمریکا، برای حل اختلاف از طریق شورای امنیت انجام نشده است که نشان دهد این کشورها از مسیرهای مسالمت‌آمیز بهره گرفته و به نتیجه نرسیده‌اند. حتی اگر موسع‌ترین تفسیر حقوقی ممکن از دفاع پیشدستانه را بپذیریم، توسل اسرائیل به زور علیه ایران همچنان غیرقانونی است، دلیل این امر آن است که شواهد اندکی وجود دارد که نشان دهد ایران به طور غیرقابل بازگشت متعهد شده باشد که به محض دستیابی به سلاح هسته‌ای، به اسرائیل حمله کند. حتی در فرض پذیرش چنین قصدی - که بار اثبات آن و ارائه شواهد از وجود چنین قصدی بر عهده اسرائیل است - به نظر نمی‌رسد بتوان به طور معقول استدلال کرد که توسل به زور در شرایط و زمان کنونی، تنها گزینه موجود و ضروری بوده است. به همین دلیل است که گفته شده، دولتی که اقدام به دفاع مشروع بازدارنده می‌نماید، اصل ضرورت را نادیده می‌انگارد، زیرا رعایت این اصل هیچ‌گونه سنخیت و سازگاری با دفاع بازدارنده ندارد (Brownlie, 1963, p. 257).

بررسی شرط «ضرورت» نشان می‌دهد که واکنش دفاعی ایران - در حد و حدودی که در چارچوب دفاع مشروع قابل اعمال است - می‌تواند با این شرط منطبق تلقی شود. همان‌گونه که دیوان در قضایای نیکاراگوئه و سلاح‌های هسته‌ای تأکید کرده است، ضرورت در مقام دفاع مشروع مستلزم آن است که پاسخ دفاعی دولت مورد تهاجم، تنها واکنش مؤثر و قابل اتکا برای دفع تجاوز محقق شده باشد و هیچ

1. Last Chance

سازوکار جایگزین فوری و کارآمدی در لحظه وقوع تهدید وجود نداشته باشد. در وضعیت مورد بحث، ایران در مقام دولت هدف، با حمله‌ای مواجه بوده که به صورت بالفعل و بدون هرگونه هشدار یا زمینه‌سازی قبلی صورت گرفته است. در چنین شرایطی، بدیهی است که بهره‌گیری از راهکارهای مسالمت‌آمیز نظیر مذاکره و میانجی‌گری به دلیل طبیعی فقدان امکان فوریت در کاربست این سازوکارها، نمی‌توانسته به‌عنوان بدیل مؤثری برای دفع تجاوز عمل کند. در واقع، حق دفاع مشروع دقیقاً برای چنین شرایطی پیش‌بینی شده است، جایی که تعرض مسلحانه در حال وقوع است و فرصت توسل به نهادهای بین‌المللی یا اقدامات شورای امنیت عملاً وجود ندارد. بر این مبنا، ضرورت دفاعی ایران، برخلاف ضرورت ادعایی اسرائیل، ساختگی یا مبتنی بر تهدیدات فرضی و آینده‌نگر نبوده، بلکه متکی بر یک وضعیت عینی، بالفعل و اضطراری بوده است. از این رو، در چهارچوب تفسیر مضیق دیوان از ضرورت، واکنش ایران در مقام دفاع مشروع از این شرط تخطی نمی‌کند، بلکه مطابق با فلسفه وجودی آن - که تضمین امکان دفع تجاوز در وضعیت‌های غیرقابل پیش‌بینی و فوری است - قابل ارزیابی است.

۲-۳. فوریت

قید «فوریت»^۱ بدان معنا است که دفاع باید بلافاصله و متعاقب حمله انجام شود. این شرط، یک معیار «زمانی»^۲ است که عملاً از اقدامات تلافی‌جویانه یا مقابله‌به‌مثل‌های زورمندانه به بهانه دفاع مشروع جلوگیری می‌کند. مطابق «فرمول کارولین»^۳ معنی پذیرفته شده اصلاح دفاع بازدارنده، دفاع مشروع در برابر یک حمله قریب‌الوقوع است (Bowett, 1958, pp. 108-109). در بند ۳۳ پرونده یاد شده قید گردیده دفاع از خود مشروط به این است که عملیات «فوری و فراگیر باشد، به نحوی که گریزی (جزء حمله نظامی) و مجالی برای تأمل در پاسخ، وجود نداشته باشد». به این ترتیب، برای استناد به دفاع

1. urgency

2. Temporal

۳. پرونده کارولین (Caroline's case) اشاره به نظریه دانیل وبستر در ارزیابی حمله انگلستان به کشتی کارولین حامل استقلال طلبان کانادایی در قرن نوزدهم به عنوان دفاع پیشگیرانه دارد. به موجب معیار وضع شده در نظریه وبستر، ضرورت و تناسب از اصول مهم در دفاع پیشگیرانه اعلام گردید.

مشروع، نخست- باید حمله‌ای وجود داشته باشد تا فوریت دفاع قابل ارزیابی باشد. دوم- مشروعیت دفاع، مشروط به جامعیت و فوریت عملیات می‌باشد، به طوری که تنها چاره، پاسخ فوری در قالب عملیات نظامی باشد. به همین جهت رژیم اسرائیل علاوه بر توجیه حملات خود بر مبنای دفاع پیشدستانه، به دفاع مشروع در برابر مجموعه‌ای از حملات روی داده در گذشته از سوی آنچه نیروهای نیابتی ایران خوانده می‌شوند، روی آورد که امروزه بر دکترین «انباشت رویدادها» استوار است. براساس این دکترین، معیار وقوع «حمله مسلحانه» نه احتمال وقوع حوادث آینده، بلکه وقوع قطعی حوادث (حملات) گذشته است (Jain, 2014, p. 62). از این رو برخلاف دفاع پیشدستانه، نیازی نیست که حملات (رشته‌ای از حملات مستمر) قریب‌الوقوع باشند؛ بلکه کافی است حمله مورد انتظار بعدی، بخشی از حملات پی‌درپی موجود باشد. منتها در شرایطی که حملات نه به صورت روزانه (منظم)، بلکه جداگانه (نامنظم) اتفاق می‌افتند، ارزیابی اینکه آیا یک سری از حملات ادامه می‌یابد، یا با آخرین حمله خاتمه یافته است، دشوار است (Talmon & Heipertz, 2020, p. 10). این استدلال از سوی مقامات آمریکایی در ترور سردار سلیمانی نیز بیان گردید.^۱ دونالد ترامپ^۲ در توجیه حمله سوم ژانویه به فرودگاه بغداد اظهار داشت: «سلیمانی در حال برنامه‌ریزی حملات شوم و قریب‌الوقوعی علیه دیپلمات‌ها و نیروهای نظامی آمریکایی بود، اما ما در حین کار او را گرفتیم و کشتیم».^۳

ادعاهای مزبور در حالی است که بدون هیچ تردیدی، حقوق بین‌الملل اجازه توسل به زور برای پاسخ به حملاتی را که برای آینده برنامه‌ریزی شده‌اند، نمی‌دهد (Oconnel, 2020). توضیح آنکه حتی در خصوص دکترین «انباشت رویدادها»، هرچند که رویکرد دیوان منتفی دانستن امکان ارزیابی مجموعه‌ای از حمله‌های کم‌اهمیت به عنوان یک حمله مسلحانه است، اما این امر لزوماً به معنای پذیرفتن دکترین مذکور مطابق با شرح و بسط مورد نظر دولت‌ها و نظریه‌پردازان حامی آن نیست. براین اساس، حتی به فرض اینکه انباشتی از وقایع بتواند حمله مسلحانه قلمداد شود (که در موضوع

^۱. برای آگاهی بیشتر، نک: فضائی، ۱۳۹۹، صص. ۱۵۱-۱۸۸.

^۲. Donald Trump

^۳. <https://www.nytimes.com/2020/01/03/world/middleeast/trump-iran-iraq.html>

مورد بحث پذیرفتنی نیست)، در عین حال براساس منطق حقوقی موجود، قید «فوریت و در جریان بودن» حمله مسلحانه اقتضا می‌کند که عملیات دفاعی در حین آخرین حلقه از حملات کوچک مورد ادعا و در واقع، با هدف متوقف کردن آخرین حمله کوچک و کم‌اهمیت انجام شود. در غیر این صورت (انجام حملات دفاعی پس از پایان حملات کوچک)، در حقیقت تمام سازوکارهای حقوق بین‌الملل، از جمله لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات موضوع بند ۳ ماده ۲ منشور، الزام‌آور بودن ممنوعیت توسل به زور موضوع بند ۴ ماده ۲ منشور و ضرورت درخواست ورود شورای امنیت به عنوان رکن سیاسی امنیتی جامعه بین‌المللی، نقض شده و عملیات ذی‌ربط، ماهیتی جزء مقابله‌به‌مثل نخواهد یافت (صفائی و آقایان، ۱۴۰۴، ص. ۱۳۷۱). صرف‌نظر از سوءاستفاده‌پذیری بالای دکترین انباشت رویدادها (Ruys, 2010) و عدم امکان تفکیک آن از مفهوم «مقابله‌به‌مثل»^۱ (Alexandrov, 1996, p. 166)، استدلال مقامات اسرائیلی در حمله به ایران که با تغییر روایت رویدادها از دفاع پیشدستانه به این مبنا صورت گرفته که نیروهای نیابتی ایران حملات مکرری علیه موجودیت اسرائیل انجام داده‌اند، بنا به دلایل زیر مشروع تلقی نمی‌شود:

یکم - مقامات ایران بارها ادعای نیابتی بودن نیروهای مقاومت در کشورهای ثالث را رد کرده‌اند. افزون‌براین، رهبران نیروهای مقاومت نیز این توجیه رژیم صهیونیستی و حامیان آن را ادعایی نادرست به منظور سوءاستفاده این رژیم دانسته‌اند. دیوان نیز در قضیهٔ نیکاراگوئه ۱۹۸۶ مقرر کرد: «آموزش، تجهیز، تأمین مالی و حمایت اطلاعاتی و عملیاتی دلیل کافی برای انتساب نیست» (ICJ Rep, 1986, para. 115). بنابراین، در خصوص هر عملیاتی باید ثابت شود که در صورت انجام اقدامی علیه اسرائیل و نیروهای آن، این اقدام با دستور مقامات ایران بوده و زمان و نحوه اجرای آن نیز توسط ایران مشخص شده باشد.

دوم - رئیس‌جمهور ایالات متحده پیش از آغاز مذاکرات، فرصتی ۶۰ روزه به ایران اعطا کرده است و در حین مذاکرات، با پایان یافتن این مدت، اسرائیل حملات هوایی متعددی را علیه فرماندهان و اهداف

1. Reprisal

نظامی، دانشمندان و اماکن و شهروندان غیرنظامی انجام می‌دهد. این امر به وضوح حکایت از آن دارد که عملیات نظامی نیازمند پاسخ فوری نبوده و اقدام این رژیم، جنایتی خودسرانه محسوب می‌شود. آنچه نادیده‌انگاری این شرط مهم را تقویت می‌نماید، افشای اسرار محرمانه پنتاگون^۱ است که حاوی تصاویر موسوم به پایگاه‌های موشکی-هوایی ایران از جزئیات حمله احتمالی اسرائیل، ماه‌ها پیش از شروع مذاکرات و در زمان پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بوده است.^۲ این موضوع بیانگر آن است که اسرائیل بدون توجه به شرط فوریت در دفاع، از سال‌ها پیش مقدمات تجاوز را طراحی کرده است.

سوم- نخست وزیر رژیم صهیونی و رئیس جمهور ایالات متحده، بارها به طور رسمی (از جمله در اولین سخنرانی بعد از حملات متعدد به نقاطی از ایران) اعلام کرده‌اند که ایران تنها ماه‌ها با ساخت بمب هسته‌ای فاصله داشته است. بدین‌سان، کاربرد نظامی اسرائیل فاقد شرط مهم «فوریت» بوده و این موضوع از گفته‌های نخست وزیر این رژیم نیز مستفاد می‌شود.

با این توضیح، توجه به عنصر «فوریت» حکایت از آن دارد که واکنش دفاعی ایران نیز با این شرط سازگار است. چرا که همان‌گونه که پیش از این آمد، فوریت بدین معناست که پاسخ دفاعی، بلافاصله با حمله صورت گیرد؛ به‌گونه‌ای که عملیات دفاعی بازتابی مستقیم از تعرض در حال وقوع باشد. حمله اسرائیل به تأسیسات و اهداف موجود در خاک ایران به‌نحوی انجام شده که عنصر زمان در آن نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. حمله غافلگیرانه، بدون هشدار قبلی و همراه با استمرار تهدید نسبت به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای و اهداف غیرنظامی، به‌طور طبیعی وضعیتی را ایجاد کرده است که در آن امکان رجوع فوری به سازوکارهای جایگزین و غیرنظامی وجود نداشته است. ایران ناگزیر بوده است که در نزدیک‌ترین زمان ممکن، حمله را دفع یا آثار آن را خنثی کند؛ زیرا هرگونه تأخیر، استمرار تهدید را مفروض می‌ساخت. در نتیجه، برخلاف اسرائیل که قادر به اثبات فوریت در توسل به زور

1. Pentagon

2. <https://edition.cnn.com/2024/10/19/politics/us-israel-iran-intelligence-documents>

نبوده، ایران در مقام دولت مورد حمله با وضعیتی مواجه بوده است که در آن، عنصر فوریت به شکلی عینی و غیرقابل تردید احراز می‌شود.

۲-۴. تناسب

«اصل تناسب»^۱ به دامنه، مقیاس و هدف پاسخ مربوط می‌شود (Gray, 2018, p. 159). در دفاع مشروع، تناسب بدین معناست که اقدامات دفاعی نباید «غیرواقعی یا افراطی»^۲ باشد (Nielsen, 2018, p. 39). همچنین، در ارتباط میان اصل ضرورت و اصل تناسب در دفاع مشروع بیان شده که استفاده از نیروی مورد نیاز در دفاع از خود، همان مقدار نیروی است که بتواند معیارهای ضروری را تحقق بخشد (Schmitt, 2002, pp. 28-29). اصل تناسب ارتباط تنگاتنگی با «اصل احتیاط در حمله»^۳ یا اقدامات احتیاطی دارد. بسیاری از قواعد مربوط به اقدامات احتیاطی در حملات که در پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تدوین شده‌اند، ماهیت عرفی دارند و در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی قابل اعمال هستند (Maslen, 2012, p. 606). مرکزیت این دسته از قواعد، تعهد به «مراقبت مداوم»^۴ نسبت به نحوه رفتار در عملیات نظامی است. به گونه‌ای که جمعیت، امکان، اقلام و اشیاء غیرنظامی باید از حملات مصون باشند. به بیان دیگر، تمامی اقدامات احتیاطی ممکن باید اتخاذ شود تا کشتار و ایراد صدمات به غیرنظامیان و آسیب و خسارات به اموال غیرنظامی به حداقل برسد.

متناسب بودن دفاع به صراحت در ماده ۵۱ منشور نیامده است، اما بر اساس رویه قضایی بین‌المللی (از جمله در پرونده کارولین که تناسب را در کنار ضرورت از جمله شرایط دفاع مشروع قلمداد کرده است) و حقوق بین‌الملل عرفی، احراز این شرط ضروری است. صرف‌نظر از اینکه ایران، حمله‌ای علیه اسرائیل تدارک ندیده است تا امکان بررسی و سنجش تناسب بین دفاع با حمله فراهم شود، رژیم صهیونی با نقض آشکار قواعد مشترک بشر دوستانه بین‌المللی و بی‌اعتنایی به اصل تفکیک میان اهداف

1. Proportionality
2. Unrealistic or Excessive
3. Precaution in Attack Principle
4. Constant Care

نظامی و غیرنظامی، به دلیل عدم رعایت تناسب در دفاع، نمی‌تواند به دفاع مشروع استناد کند. زیرا، اسرائیل در آغاز حمله اقدام به ترور دانشمندان ایران نموده و نه تنها اقدامات احتیاطی را لحاظ نکرده، بلکه در حملات متعدد و مستمر به اماکن و اهداف غیرنظامی، مرتکب جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت شده است. بر همین اساس، حمله موشکی پانزدهم ژوئن به میدان قدس تهران که شهروندان در حال تردد و گذر از آن بوده‌اند و حمله موشکی گسترده به مجموعه زندان اوین،^۱ هیچ تناسبی با دفاع از موجودیت ادعایی اسرائیل نداشته و در واقع «اصل تناسب» در آن رعایت نشده است. افزون‌براین، این رژیم با صدور دستور تخلیه شهر تهران یا محلات وسیعی از آن و یا با اخطارهای تهدیدآمیزی نظیر ضرورت فاصله گرفتن مردم از «کارخانجات تسلیحات نظامی یا موسسات پشتیبانی آنها» بدون اینکه مخاطبان غیرنظامی بتوانند محل احتمالی حملات را با اطمینان پیش‌بینی کنند،^۲ مرتکب تهدید به خشونت شده است که هدف اصلی آن پراکندگی و ایجاد وحشت در میان جمعیت غیرنظامی بوده است. این اقدام به موجب بند ۲ ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۷۷ صریحاً ممنوع شده و در نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، این ممنوعیت حقوق بین‌المللی عرفی را منعکس می‌سازد.^۳

عدم رعایت تناسب به شاخصی در حملات اسرائیل علیه گروه‌های مقاومت در کشورهای ثالث، نیز تبدیل شده و مورد انتقاد جدی جامعه بین‌المللی قرار گرفته است.^۴ چنین ضابطه‌ای، مورد تأکید دیوان کیفری بین‌المللی^۵ در صدور حکم بازداشت سران سیاسی و نظامی اسرائیل در ۲۱ نوامبر ۲۰۲۴ در قبال جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت قرار گرفته است. قضات دیوان بر مبنای دلایل معقول و

1. <https://www.reuters.com/world/middle-east/iran-says-71-killed-israeli-strike-evin-prison-2025-06-29/>

2. <https://www.middleeasteye.net/news/iran-scramble-find-safety-after-israel-threats-target-civilians>

3. ICRC Database, Customary IHL, Violence Aimed at Spreading Terror among the Civilian Population, <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule2> (Last accessed on 13.08.2025).

۴. برای اطلاع بیشتر در این خصوص، نک: کریمی و صفایی، ۱۴۰۴.

5. International Criminal Court

منطقی معتقدند که بنیامین بن‌زیون نتانياهو و یوآو گالانت،^۱ افزون بر هدایت عمدی حمله علیه غیرنظامیان غزه، عامدانه و آگاهانه جمعیت غیرنظامی را از دسترسی به لوازم ضروری برای بقا از جمله غذا، آب، دارو، تجهیزات پزشکی و سوخت و برق از حداقل ۸ اکتبر ۲۰۲۳ تا ۲۰ مه ۲۰۲۴ محروم کرده‌اند. از نگاه دیوان، نتانياهو و گالانت به عنوان مافوق، اقتدار و کنترل موثری بر زیر دستان خود داشته‌اند، از جنایت آگاه بوده‌اند و هیچ اقدام فعالی برای جلوگیری یا سرکوب آنها انجام نداده‌اند.^۲

با توجه به مطالب پیش گفته، واکنش ایران در مقام دولت هدف حمله مسلحانه اسرائیل، از حیث معیار «تناسب» نیز قابل توجیه و منطبق با الزامات دفاع مشروع ارزیابی می‌شود. تناسب در این معنا، ناظر بر محدود بودن دامنه، شدت و هدف اقدامات دفاعی به میزان لازم برای دفع تجاوز است و فلسفه آن جلوگیری از اقدامات افراطی، تنبیهی یا تلافی‌جویانه می‌باشد. بر همین اساس، در حالی که رژیم اسرائیل با هدف قرار دادن اهداف غیرنظامی، آشکارا اصل تفکیک و احتیاط را نقض کرده است، پاسخ ایران در چارچوب دفاع مشروع صرفاً معطوف به اهداف نظامی مرتبط با تجاوز بوده و تنها با غایت جلوگیری از استمرار یا تکرار حمله صورت گرفته است. از این رو، ایران از حدود تناسب فراتر نرفته و اقدامات آن با معیارهای عرفی تناسب در دفاع مشروع سازگار است.

نتیجه

مبنای اساسی توجیه اسرائیل برای حمله مسلحانه سیزدهم ژوئن ۲۰۲۵ به خاک ایران و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت این کشور، دفاع مشروع عنوان شده است. رژیم صهیونیستی به صورت ترکیبی و متناقض تلاش کرده است عملیات نظامی خود را براساس اقسام مختلف دفاع مشروع توجیه کند. به گونه‌ای که نخست وزیر این رژیم در اولین اظهارنظر پس از حملات گسترده و نظام‌مند به اهداف گوناگون در حریم ایران، به دفاع پیشدستانه استناد می‌نماید و سپس با تغییر روایت حقوقی، تجاوز

1. Yoav Gallant

2. [https://www.icc-cpi.int/news/Situation in the State of Palestine: ICC Pre-Trial Chamber I rejects the State of Israel's challenges to jurisdiction and issues warrants of arrest for Benjamin Netanyahu and Yoav Gallant](https://www.icc-cpi.int/news/Situation%20in%20the%20State%20of%20Palestine%3A%20ICC%20Pre-Trial%20Chamber%20I%20rejects%20the%20State%20of%20Israel's%20challenges%20to%20jurisdiction%20and%20issues%20warrants%20of%20arrest%20for%20Benjamin%20Netanyahu%20and%20Yoav%20Gallant)

خود را مصدافی از دفاع مشروع معرفی می‌کند. این دو رویکرد در مجموع متناقض و ناسازگار با یکدیگر هستند.

توجیه حقوقی رژیم اسرائیل مبتنی بر دفاع پیشدستانه، با الهام از سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، نه تنها در تجاوز به ایران که در حملات مداوم و مکرر علیه کشورهای ثالث و گروه‌های مقاومت آنها نیز به مشهود است. این دکترین در حالی مطرح می‌شود که در نظام حقوقی بین‌المللی به ویژه منشور ملل متحد، ارکان اصلی سازمان ملل متحد از جمله مجمع عمومی و شورای امنیت، دیوان بین‌المللی دادگستری و رویه غالب دولت‌ها، تأسیس حقوقی تحت این عنوان جایگاهی ندارد. در واقع، ماده ۵۱ منشور و آرای قضایی دیوان به هیچ وجه حق حمله به دولت دیگر صرفاً به دلیل ترس از اینکه آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل استفاده در حمله احتمالی آتی است، به رسمیت نمی‌شناسند. به این ترتیب، امروزه این رویکرد برای اسرائیل به مفری برای نقض قواعد آمره بین‌المللی همچون منع مداخله و توسل به زور موضوع بند (۴) ماده (۲) منشور و اصول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی تبدیل شده است.

باملاحظه مجموع شرایطی که برای دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور ملل متحد، آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و حقوق بین‌الملل عرفی، مقرر شده است، مشخص می‌شود که توجیه رسمی رژیم صهیونی برای استناد به دکترین دفاع مشروع با منابع حقوق بین‌الملل مطابقت ندارد. اسرائیل در حالی به این صور از دفاع استناد می‌نماید که هیچ یک از شرایط آن را رعایت نکرده است. این امر از نوع گفت‌وگو و رفتار مقامات اسرائیل و کیفیت عملکرد این رژیم در تجاوز نظامی بدون رعایت اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی، آشکار است. به این نحو که از یک سو، «حمله مسلحانه» توسط ایران رخ نداده و به لحاظ حقوقی، دو کشور اسرائیل و ایران در وضعیت محاصمه مسلحانه قرار نداشته‌اند. از سوی دیگر، حمله اسرائیل جز یک اقدام جنایتکارانه جلوه نمی‌کند، زیرا در این حمله، شرط مهم «ضرورت» نیز رعایت نشده است. این حمله در حالی صورت گرفته که ایران در حال مذاکره با ایالات متحده پیرامون برنامه هسته‌ای بوده و راهکارهای غیرنظامی بی‌اثر نشده است. در این راستا آژانس بین‌المللی انرژی

اتمی نیز به عنوان مرجع راستی‌آزمایی و نظارت بر کاربرد مواد هسته‌ای، تولید تسلیحات هسته‌ای توسط ایران را رد نموده است. ازدیگرسو، خلاء شرط سوم در تجاوز اسرائیل روشن‌تر است، آنجا که این رژیم بی‌توجه به شرط «فوریت»، از سال‌ها پیش مقدمات تجاوز به ایران را طراحی نموده و بدان نیز اذعان داشته است. سرانجام، عدم رعایت شرط «تناسب» به شاخصی در عملکرد اسرائیل در حملات به نقاط مختلف ایران تبدیل شده است. این رژیم با نقض آشکار قواعد مشترک بشر دوستانه بین‌المللی و بی‌اعتنا به اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، اقدام به ترور دانشمندان و شهروندان ایران نموده و نه تنها اقدامات احتیاطی لازم را رعایت نکرده، بلکه در حملات متعدد و مستمر به اماکن و اهداف غیرنظامی، مرتکب جنایت جنگی و جنایت ضد بشریت شده است. عدم رعایت شرایط دفاع مشروع توسط رژیم اسرائیل در تجاوز نظامی، موجب ایجاد حق ذاتی دفاع برای ایران براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد شده است. بنابراین، اقدام نظامی ایران در پاسخ به حملات رژیم صهیونیستی با شرایط چهارگانه دفاع مشروع از جمله حمله مسلحانه، ضرورت، فوریت و تناسب، مطابقت دارد.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، پوریا و ملکی‌زاده، امیرحسین (۱۴۰۰). «جایگاه دفاع پیش‌دستانه از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر تبیین موانع حقوقی بین‌المللی اعمال آن جهت حفاظت از غیرنظامیان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۸، شماره ۲، ۱۰۰-۸۳.
۲. آجلی، مهشید، رشیدی، مهناز، درون‌پرور، امیر و اقبالی، کیوان (۱۴۰۳). «ترجمه نظر مشورتی ۱۹ ژوئیه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه پیامدهای حقوقی ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین، شامل بیت‌المقدس شرقی»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۴۱، شماره ۷۵، ۲۴۶-۱۶۱.
۳. احمدی‌فرد، مرتضی و حاتمی، مهدی (۱۴۰۰). «مشروعیت توسل به زور ترکیه در حمله به شمال سوریه از منظر حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲۳، شماره ۷۴، ۳۳۴-۳۰۳.
۴. امین‌الرعايا، یاسر، احمدی، مریم و متاجی، محسن (۱۴۰۰). «ارزیابی حقوقی دکترین رژیم صهیونیستی در حمله به گروه‌های مقاومت در کشورهای ثالث»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۴، شماره ۱، ۱۸۱-۱۵۱.

۵. حسینی، سیدحسین، عابدینی، احمد، عاشوری، نادعلی و عباسیان، رضا (۱۳۹۷). «واکاوی تطبیقی دفاع مشروع در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، ۶۷-۸۰.

۶. شریفی، حسین و بارین، ویکتور (۱۳۹۲). «دفاع مشروع بازدارنده در قرن بیست و یکم»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۱۵، شماره ۴۰، ۹-۳۶.

۷. صادقی، دیدخت (۱۳۹۰). «تحول در مفهوم اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۲۸-۹۳.

۸. صفائی، عبدالحسین و آقایان حسینی، محمد، (۱۴۰۴). «ارزیابی انتقادی توجیه آمریکا برای ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق توسل به زور»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۵، شماره ۲، ۱۳۷۸-۱۳۵۳.

۹. صیرفی، ساسان، عابدینی، عبدالله و واعظ، سارا (۱۴۰۳). «کاربست رژیم پایش فناوری موشکی در رویه شورای امنیت: مطالعه موردی قطعنامه ۲۲۳۱»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۲۱، شماره ۲، ۳۷-۷.

۱۰. ظریف، محمدجواد و آهنی، محمد (۱۳۹۱). «دفاع مشروع پیش‌دستانه؛ مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۲، ۸۲-۴۱.

۱۱. فضائی، مصطفی (۱۳۹۹). «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ۷، شماره ۲، ۱۸۸-۱۵۵.

۱۲. کریمی، علی و صفائی، محمد حسین (۱۴۰۴). «تمسک بی‌بنیاد به نظریه جنگ عادلانه؛ گسست عمیق در توجیحات حقوقی و اخلاقی رژیم صهیونیستی در مواجهه به گروه‌های مقاومت»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۲۶.

۱۳. مدرس سبزواری، ساسان (۱۳۹۲). جنگ تجاوزکارانه و انسانی شدن حقوق بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.

۱۴. ممتاز، جمشید و صابری انصاری، بهزاد (۱۳۹۱). «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۱، شماره ۶۳، ۲۰۴-۱۷۵.

15. Alexandrov, S. A. (1996). Self-defense against the use of force in international law, Kluwer law international, Hague.

16. Arend, Anthony C. and Beck, Robert J. (1993). International law and the use of force: beyond the UN Charter paradigm, Routledge Publications, New York.

17. A more secure world: Our shared responsibility, Report of the UN Secretary General's High-level Panel on Threats, Challenges and Change, Published by the United Nations Department of Public Information, December 2004, New York, P. 63, paragraphs 188-192.
18. Bowett, D.W. (1958). *Self-Defence in International Law*, Manchester, Manchester University Press.
19. Brownlie, I. (1963). *International Law and the Use of Force by States*, Oxford, Clarendon Press.
20. Cassese, A. (2005). *International Law*. 2nd edn, Oxford University Press.
21. Cassese, Antonio (1989). The International Community's Legal Response to Terrorism, *International & Comparative Law Quarterly*, Volume 38, Issue 3.
22. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts. 2001.
23. Draft Code of Offences Against Peace and Security of Mankind. 1996.
24. Gray, C. (2018). *International Law and the Use of Force*. Oxford University Press.
25. ICJ (2005). International Court of Justice, Judgment in the Case Concerning Armed Activities on the Territory of The Congo (Democratic Republic of Congo v. Uganda), 19 December.
26. Jain, A. G. (2014). Rationalising International Law Rules on Self-Defence: The Pin Prick Doctrine. *Chicago-Kent Journal of International and Comparative Law*, Vol. XII, (2), 23-70.
27. Judith, Gardam (2007). *Necessity, Proportionality and the Use of Force by States*, Cambridge University Press.
28. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (1996). Advisory Opinion of 8 July, International Court of Justice.
29. Maslen, Stuart (2012). "Drone Strikes under Jus ad Bellum, Jus in Bello and International Human Rights Law", *International Reviews of the Red Cross*, 94(886).
30. MacGibbon, I. (1958). Estoppel in International Law. *7 International and Comparative Law Quarterly*, 458-468.
31. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986.
32. Murphy, seen D. (1999). Contemporary Practice of the United States relating to international law, *A.J.I.L*, Vol. 93.
33. Nielsen, René Vendel (2018). The Illegality of Extraterritorial Use of Force Against Non-state Actors or New Customary Law? *International Security and Law*, No 2-3.
34. O'Connell, M. E. (2020). The Killing of Soleimani and International Law. *European journal of international law blog*.
35. Oil platforms (2003). Islamic Republic of Iran v. United States of America, 6 Nov, ICJ.Reports.
36. Ruys, T. (2010). 'Armed Attack' and Article 51 of the UN Charter: Evolutions in Customary Law and Practice, Cambridge University Press.
37. Schmitt, Michael N. (2002). Counter-Terrorism and the Use of Force in International Law, *International Law Studies*, Vol. 79.

38. Schwarzenberger, G. (1976). *International Law as Applied by International Courts and Tribunals*. Vol. 2, London, Stevens & Sons.
39. Stone, J. (1958). *Legal Control of International Conflicts*, London, Stevens & Sons.
40. Swart, Mia, (2020). "To Stop a War: Did Soleimani Killing Violate International Law?, Experts Agree use of Self-defense as Justification for Killing Soleimani Requires Proof of 'Imminent Attack' ", at <https://www.aljazeera.com/news/2020/01/stop-war-soleimani-killing-violate-international-law-200105050718644.html>.
41. Talmon, S., & Heipertz, M. (2020). *The U.S. killing of Iranian General Qasem Soleimani: of wrong trees and red herrings, and why the killing may be lawful after all*. *German Practice in International Law, Bonn Research Papers on International Law Paper No. 18/2020*.
42. *Temple of Preah Vihear (Cambodia vs. Thailand), Judgment, ICJ Reports 1962*.
43. UN General Assembly, *Definition of Aggression, A/RES/3314, UN General Assembly, 14 December 1974*.
44. *U.S. National Security Strategy, 2002*.
45. *United Nations' Security Council, Resolution No. 487, 19 June 1981*.
46. *Yearbook of the International Law Commission, (1966). Vol 2*.
47. Wright, Q. (1959). "US Intervention in Lebanon", *American Journal of International Law, No. 53*.